

خبرنامه جنگ - ۱۱

جنگ برای توده‌های ایران و عراق
فقط فلاکت و بدبختی ببار می‌آورد

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
بیکار

دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۵۹

پای صحبت آوارگان

مردم رزمندگان خوزستان که در نتیجه جنگ بین رژیم‌های عراق و ایران آواره شده و هر روز با مشکلات دم‌افروسی روبرو هستند، در مقابل فشارهای گوناگون سیاسی و اقتصادی و فشارهایی که رژیم جمهوری اسلامی به آنها وارد میکند، به اعتراض و آشوبگری نسبت به وضع موجود و ماهیت بقیه در صفحه ۲

۵ خبر از درون ارتش

جمهوری اسلامی

خرید سلاح‌ها از آمریکا و کشورهای وابسته‌اش ادامه دارد

ارتش خود را برای بهترین روابط با آمریکا آماده کرده است

بقیه در صفحه ۳

بمبهای ارتش ارتجاعی

عراق

رزمندگان خرم آباد

را نیز به خاک و خون کشید

بقیه در صفحه ۲

• سرمقاله

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم!

و عملی ما در قبال افشای جنگ ارتجاعی کنونی نیز هست، با شرکت و رهبری این مبارزات سوسیالیستی مبارزه علیه جنگ در خدمت ارتقاء و گسترش مبارزات انقلابی خلق‌های ایران در آید و برداشته‌ها موج اعتلائی جنبش بیا فزاید.

فریاد خود را بر علیه جنگ بلند تر کنیم
جنبش اعتراضی بر علیه فلاکت، گرانسی
بیکاری و ... را سازمان دهیم
جنبش انقلابی آوارگان را برای بهبود وضع
زندگیشان سازمان دهیم

شیوع وبا در خوزستان جنگ‌زده

بقیه در صفحه ۲

مجروح کردن خود برای فرار از جبهه

اخیراً تعداد "خود زنی"های رزمین بر سبیل نیروی زمینی زیاد شده است. این عمل عمدتاً در رزمین سربازان و درجه داران دیده می‌شود. این افراد با شلیک گلوله و ایجاد زخم‌های سطحی در دست و پای خویش برای فرار از جنگ، بهانه‌ای ایجاد می‌کنند. در حقیقت هر روز که از جنگ می‌گذرد، توده‌های بیشتری از جمله سربازان و درجه داران ارتش به ماهیت ارتجاعی جنگ پی می‌برند و حاضر نمی‌شوند در راه منافع سرمایه داران و کشورهای ایران و عراق خود ربه کشتن بدهند و یا برادرانشان را بکشند.

بقیه در صفحه ۴

عواقب وخیم جنگ ارتجاعی میان دولتهای سرمایه‌داری ایران و عراق، بیش از پیش آشکار می‌شود، بیش از یک میلیون تن از رزمندگان خوزستان آواره شده‌اند، آنها آشکارا دیده‌اند که این جنگ به قیمت از دست دادن بسیاری از عزیزانشان و تمام هستی‌شان تمام شده است. آنها با پوست و گوشت خویش ارتجاعی بودن این جنگ را درک کرده‌اند، آنها گرسنه‌ی مسکن و بی حقوق و پول آواره شهرهای دیگر شده و از طرفی اعمال رژیم، اما مجموعه‌های مرتجع و سیاه باسلاران و ... مورد شدیدترین آزارها قرار گرفته‌اند. آوارگان جنگ بخوبی درک می‌کنند که این جنگ فقط فلاکت، آوارگی و کشتار برای رزمندگان به ارمان می‌آورد، بسیاری از توده‌های ارتشی، کم‌کم درک می‌کنند که گوشت دم‌توب سرمایه‌داران هستند و این جنگ هیچ منفی برای آنها ندارد و فقط کشتار و مرگ برای مردم ایران و عراق به ارمان می‌آورد.

دیگر رزمندگان ایران نیز بزرگوار می‌فهمند که این جنگ بر ضد منافع مردم ایران و عراق و شوط‌های از سوی دولت ارتجاعی ایران و عراق است. صف‌های طولانی برای می‌خام و اولیه زندگی، جیره‌بندی و کوبن، گرانسی روزی افزون از زاق عمومی، کمیابی، کمبود نفت و بتزین، بیکاری و ...، علامه فلاکت و نکبت بیش از پیش با به شوم‌خود را بزرگ رزمندگان ایران گسترده است.

بدین ترتیب جنبش توده‌ها بناگزیروا خواهد گرفت، در شرائط کنونی علاوه بر افشای همه جناح‌های رژیم با یستی به سازماندهی مبارزات توده‌ها پرداخت، سازماندهی مبارزات آوارگان جنگ بر علیه تضیقات رژیم و حوصل تحقق ابتدائی‌ترین وسایل زندگی از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک و ... و نیز سازماندهی جنبش اعتراضی توده‌ای بر علیه فلاکت، گرانسی و بیکاری که بوسیله جنگ تشدید شده است. در شرائط کنونی در حقیقت عبارت از شرا را ثباتی

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

شیوع وبادر خوزستان جنگ زده

مسجد سلیمان

تاروژ ۲۱/۸/۵۹ بین ۷ تا ۱۰ نفر از اهالی زحمتکشان بر اثر وبا کشته شده اند. مسئولین رژیم در شهر علی رغم شیوع این بیماری تاکنون هیچگونه هشدار یا مردم نداده و اقدامات پیشگیرانه ای انجام نداده اند. زحمتکشی در همین مورد می گفت: "اینها اگر راست میگویند و طرفدار "ستضعفین" هستند چرا یکبار هم که شده در رادیو اعلام نمی کنند که وبای شیوع پیدا کرده؟ فقط بلندند اطلاعیه در رادیو بخوانند که هر کس جنگ نرود ضد انقلابی است".

نقل از خبرنامه جنگ شماره ۸، کمیته خوزستان سازمان پیکار

در خوزستان جنگ زده،

مردم به رژیم کمکی نمیکنند

در تاریخ ۸/۲۰، بر اثر مایهات یک خمپاره عراقی قسمتی از یک شرکت خارجی در اهواز که محل نگهداری قیر بوده آتش میگیرد، شدت آتش سوزی بعدی بود که قسمتی از شهر اهواز را زکا ملاروشن شده بود. اما زحمتکشان با قیام نه در شهر کوششی برای خاموش کردن آتش نداشتند. این مسئله نشان میدهد که عمده آن عده زتوده ها هم که در خوزستان در جنگ زده با قیام نه با طر "دفاع از میهن" و شرکت در جنگ و یا از سر تهم نسبت به رژیم بلکه بخاطر فقر و تنگدستی و ناتوانی در تهیه مخارج خروج از شهر بوده است. بدین ترتیب توده ها بیش از پیش نفرتشان را از عاملین این جنگ ارتجاعی بروز میدهند و اگر نتوانند شهر را ترک گویند، از همکاری با عمل رژیم نیز خودداری میکنند.

نامه ای از یک آواره زحمتکش

نامه زیر را یکی از زحمتکشان آواره برای ما فرستاده است. آنچه که رژیم بر سر این زحمتکش آورده است حکایتی است که بر بیش از یک میلیون آواره میهن میگذرد.

"من یکی از آوارگان جنوب در تهران هستم از اهواز آمده ام، خانه ما را خمپاره ها خراب کرده

بقیه از صفحه ۱ سمپای ارتش ...

در ادا مه جنگ ارتجاعی تحمیلی بر مردم ایران و عراق، ارتشهای ارتجاعی دو کشور به بمباران مناطق مسکونی ادامه میدهند و زحمتکشان را به خاک و خون میکشند.

روزشم آذما ساعت ۱/۵۲ بعد از ظهر یک فرویدم یک عراقی بر فراز خرم آباد ظاهر شد و بدون اینکه حتی یک تیر هوایی شلیک شود بمبهای خود را بر روی ساختمان میدان بار فروشان (امیر شهر) فرو ریخت و اوج گرفت.

محل انفجار بمب، مرکز کار و جمع زحمتکشان با فروری بود و شدت انفجار بعدی بود که اجساد برخی از قربانیان بر آکنده شد و قابل شناسایی نبودند. در این بمباران فاشیستی ۱۹ تن از زحمتکشان در دم جان سپرده و ۴ نفر دیگر در بیمارستان در گذشتند. تعداد در خمپاره مدفن کزارش شده اند.

این حادثه اسف بار بیش از پیش نفرت مردم را از جنگ غیر عادلانه برانگیخت.

وضع آوارگان در خرم آباد

در حدود ۵۵ نفر از مردم جنگ زده شوش در خرم آباد سیر میگردند. آنها را در یکی از مسدود شده ایکن داده بودند. افراد "حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی" کمکهای غذایی مردم را برای تقسیم بین آنها میبرد و ولی از مردمان میخواهند که به جبهه جنگ بگردند. در اثر اعتراض آوارگان جنگ زده، وقیحا نه میگویند: "ما از مردم کفار میگیریم و شما را سیر میکنیم" که این برخورد بغایت ارتجاعی موجب اعتراض و خشم آوارگان شده و غذا را نمیپذیرند. ارتجاع از کمکهای بی ریی مردم به جنگ زده ها بیعنا وین مختلف سو استفاده میکند.

رژیم جمهوری اسلامی که از جنبش اعتراضی آوارگان وحشت دارد، مذبحا نه سعی میکند از تماس آنها با مردم و نیز اجتماع آنان جلوگیری نماید و به همین دلیل آنان را در صد کیلومتری خرم آباد در کناره رودخانه در زیر چاه درهائیکه برای جلوگیری از سرما را ندارند، بسد و کوچکترین وسیله بهداشتی و بدون دسترسی به غذای کامل ایکن داده اند. واقعیتها حقیقت گفتار کمونیستها و دروغوشهای شاخدار هیئت حاکمه را در مورد رسیدگی به وضع آوارگان جنگ بخوبی نشان میدهد.

تصحیح

در خبرنا مه جنگ ۶ در خیر مربوط به "کوچمفیان"، (اقتضای رشت) سخنان کریمی دادستان سابق انقلاب گیلان و فرماندار فعلی لاهیجان بود و کوچمفیان فرماندارند.

بقیه از صفحه ۱ پای صحبت ...

غیر عادلانه جنگ میپردازند. ما برای نشان دادن کوششهای از اعمال ضد خلقی عمال محلی رژیم با آوارگان ساکن را میز، قسمتی از اظهار نظر این آوارگان را در زیر میآوریم:

یکی از زنان زحمتکش که جزو آوارگان است برایمان سخن میگوید: "ما چهار خانوادیم که در دواتاق یک مدرسه زندگی میکنیم (در شهر رامهرمز). در مدتی که اینجا آمده ایم ازس جانب سپاه با سداران مورد آزار و سرکوفت قرار گرفته ایم. دیگر اعمالی برایمان نماده اینجا از قبرستان هم بدست راست. با سداران هر چند وقت یکبار و بدون اطلاع و بدون اجازه سر زده وارد دواتاق میشوند. نخستین باری که آمدند موضوع حجاب اسلامی را بهمانه کردند و با ردوم که آمدند گفتند که با دانیها و کسانیکه از شهرهای دیگر آمده اند باید از شهر بیرون بروند ولی با مقاومت و اعتراض همه خانوادها ی آواره و بیرو شدند. در ارتباط با همین موضوعات زن زحمتکش دیگری میگوید: "هفت خانوادیم که در یک سالن یک کودکستان سیر میبریم. الان مدتی است که مرتب با سداران می آیند و مزاحمت ایجاد میکنند. یکبار به بیانه تخلیه محل و به این بهانه که قرار بوده فقط زنان ساکن باشند و مرد ها باید بروند به جبهه جنگ. این اواخر هم آمدند و گفتند اناق ها را برای آموزش اسلحه میخوانیم... خلاصه منظورا ولی آنها اینست که ما را به ترتیبی شده از شهر بیرون کنند و به شهرهای جنگ زده خودمان بفرستند تا میدان جنگ خالی نمائند! ما در آواره دیگری میگوید: "هشت تاجه دارم که یکی از آنها در اهواز در سنگر میبنا شد و یکی از پسرانم از ناحیه کتف تیر خورده است و دیگری میباید. شوهرم در کارخانه صنایع

است. یک بچه دارم و متاسفانه فامیل نزدیکی ندارم که بتوانم پیش آنها بمانم.

مدت ۸ روز است که از این کمیته به آن کمیته میروم که حداقل یک اتاق در اختیارم بگذارند ولی همه کمیته ها بدون استثناء گفته اند که هیچ کمکی نمیتوانند بکنند. در یک کمیته که دلشان بحال سوخته بوده ۵۵ تومان جمع کرده و به من دادند ولی قبول نکردم، چون دوروز با این پول معیشتم میکردم اما بالاخره چی؟ در حالیکه اینهمه آوارتمان خالیست و نمیتوانستند حداقل یک سرپناه به ما بدهند که شبها یخ نزیم. در همه کمیته ها به من گفتند که ما مربوط نیست و باید به وزارت کشور بروی و من پسران پسران به در ساختمان بزرگ وزارت کشور هم رفتم ولی حتی بداخل آنها هم ندادند.

خلاصه کلام، این دولت حاضر نیست کوچکترین کامی در جهت منافع ما بردارد."

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

دانش آموزان ۱۶ و ۱۷ ساله بدون اجازه والدین هم میتوانند به جبهه بروند

حرف و عمل رژیم در کلیه زمینه ها با هم متغایر است. "آیت الله منتظری" در یکی از "خطبه های نماز جمعه گفته بود: "ما کسی را بدون رضا نیست خانواده و خودش به جبهه نمیبریم" اما رژیم به خاطرنیاز فرار از این به "گوشه دم توپ" و عدم شرکت جوانان در جنگ به افراد بسیج که اغلب دانش آموزان ۱۶-۱۷ ساله هستند گفته اند که نیازی به رضایت نه والدین ندارند و بدولتی پس از گذشت چند ماه از جنگ ارتجاعی "دا وطلبین" بسیج اکنون از شرکت در جنگ استقبال چندانی نمیکند. توده های متوهمی که دا وطلبان در بسیج شرکت کرده اند با گذشت زمان و در اثر افشای نیروهای انقلابی به دروغین بودن شعارهای رژیم می بینند و حاضر نیستند "گوشت دم توپ" سرما به داران گردند.

بقیه از صفحه ۴ پنج خبر...

لیبرالها (به فرماندهی بنی صدر) و جمهوری اسلامی در ارتش به درگیری آشکار نیز رسیده اند به همین دلیل دستوراً کید فرما شده نیروی هوایی به تمام پرسنل توصیه شده است که هیچگونه بحث و گفتگو و اقدامی در رابطه با مسائل و اختلافات بین جناح های هیئت حاکمه ننمایند و گفته شده است که نظایان نباید در مسائل سیاسی دخالت نمایند.

۱- به سازمان ارشاد (که در جمهوری اسلامی بجای فدا اطلاعات ارتش شاهنشاهی شسته است) دستور داده شده که از این بعد تشنه را موری که در سابق فدا اطلاعات انجام میداد دخالت نکند و تشنه همان کار را انجام دهد و در سایر موارد دخالت ننماید.

بقیه از صفحه ۶ پنج خبر...

۱- در کمیسیون اوایل آذر ماه ۵۹ با شرکت وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی (فکوری)، به فرماندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمتهای نیروی هوایی دستور داده شد که هر چه زود تر کمبود ها و اقلام قصورگاهها و مشکلات آموزشی بقیه در صفحه ۷

و تشنه نتیجه دسترنج ما همان خانمود، بعد از آنکه خانه ام ویران شده شیراز رژیم در آنجا علامه کردند که این "فدا انقلابی" را با بد از شیراز بیرون کرد. بی شرفی! حیانتدارن، خودشان دردم را نکشیدن درد آوارگی و بیخا نمایی... هنوز جگر گشته آنها نمرده تا بفهمند ما چه میکنیم. فقط بلدند ما را تحریک کنند که بجنگیم ولی ما میدانیم که این جنگ برایمان نتیجه ای ندارد. هی بیما میگویند برگردید به شهرهایمان، آخبرویم برای چه؟ برای کی؟ میترسند ما اسلحه بدهند! اینها فقط بفکر جیب خودشانند، حالا اگر جوانها کشته شوند و مردم خانه خراب، برایشان که مهم نیست!

شخص دیگری میگوید: "این جنگ چه سودی برای ما دارد جز بدبختی و آوارگی... حالا هم که میبینید نزدیک به ۱۰ ساعت است که در صف ایستاده ایم و هیچکس بفکرمان نیست. چرا به هنگام سختی به دردم رسیدگی نمیکنند؟ این گفتگوها مورد قبول اکثر مردمی بود که صف تفت را تشکیل میدادند.

توده هادیگر گول عوام فریبیهای رژیم را نمیخورند! به نقل از فریاد آوارگان شماره ۵، از انتشارات کمیته خوزستان سازمان پیکار

رویز یونیستها، باور ارتجاع



اصفهان

دانشگاه صنعتی یکی از مراکز آوارگان در اصفهان است و به همین جهت نیروهای انقلابی و از جمله سازمان مائلاش میگردانند و وسیله ای برای افشای جنگ ارتجاعی و جنایات رژیم استفاده کند. رفقای ما برای آگاه ساختن آوارگان جنگ زنده و مردم زحمتکش، اقدام به نوشتن شعارهای مختلف بر روی دیوارها کرده اند. رویز یونیست های مرتد "اکتربیت" (فدا نیان) برای اثبات خوش خدمتی خود، کینه طبقاتی شان را با کمونیست ها در عمل هم نشان دادند و شعارهای انقلابی و بویژه شعارهای سازمان مارا پاک می کنند. رویز یونیست از دیدن شعارهای انقلابی بر دیوارها هم وحشت دارند! آنها از انقلاب می ترسند!!

شرایط درمانی و بهداشتی

جبهه ها اسفناک است!

در جبهه های جنگ آنچه که برای رژیم اهمیت ندارد سلامت سربازان و وضع زخمیهاست زخمی ها را بدون اینکه بهبودی کامل یابند به جبهه ها برمیگردانند. سربازانی که از زخم معده سردردهای مزمن و ناراحتی های دیگر رنج میبرند بدون دارو و درمان مجبوره تحمل درد و ناراحتی جسمانی هستند.

فولادکار می کند و برای اینکه او را اخراج نکنند اجباراً در هوا زنده است و تا کثون هم از او خبری ندارد که زنده یا مرده است. حالا من و شش بچه دیگر هم جا نداریم فقط در یک اتاق گلی که قدیمی ما زنده نشسته ایم و نگران هستیم که با بارندگی ممکن است روی سیمان خراب شود. مدتی است که برای گرفتن یک چادر مرتب به فرمانداری و شهرداری اینجا مراجعه میکنیم ولی بی نتیجه مانده است. آنها حتی از جواب دادن هم طفره میروند و انگار ما بشر نیستیم. دیگر امید بی کفک آنها نداریم!

عده ای از آوارگان که برای گرفتن چادر غذا و پوشاک به شهرداری رفته و شهرداری تحت فشار گذاشته تا به خواسته هایشان رسیدگی کند، میگویند که: "شهرداری خود را به نفهمی زده و انگار نه انگار که ما آواره جنگی هستیم که رژیم را انداخته و خانه خراب اصلی ما هستیم؟! شهرداری با وقاحت اظهار داشته که چادر نیست و هلال احمر قرار است چادر بیاورد و دشواراً در آنجا ساکن کنند اما این حرفها که مدتی است تو خالی بودند نشان برایمان ثابت شده دیگر به خرج هیچکس نمیروند. زن و بچه مردم که با و هگویی سرشان نمیشود آنها سرپناه میخواهند و عده این هفته و آن هفته نمیفهمند! این حرفها در شان را دوانمیکند."

توده ها که میبینند که قربانی جنگی هستند که تشنه منافع سرما به داران را در بر میگرداند و در بهبود وضع آنها که تا شیر نمیکنند، هیچ تازه روز بروز با دیدگری برانیه و مشکلاتشان میافزاید کمتر حاضرند فریب نیرنگهای رژیم و عمال آوارا بخورند و چون میبینند رژیم دوست نشاندگان تشنه خواسته هایشان به این سادگیها نمیبرند تصمیم میگیرند با مقاومت و با اعمال فشار، در جهت تامین احتیاجات خود (مسکن، نان، آب، سوخت، پوشاک، دارو و غیره) مشکل و هماهنگ اقدام نمایند. به همین دلیل میتوان در کلیه اماکنی که آوارگان مستقر گردیده اند، شاهد روحیه اعتراضی آنان بود!

هنگامیکه برای خرید نغشته آوارگان صف بسته بودند و در یک بنوعی مدای اعتراض بلند بود. آنها از وضع موجود و گرفتاریهای خود سخن میگفتند. از جنگی که برایمان منافعی در میان نداشته و آواره شان کرده است بشدت ناراضی بودند. مردی میگفت: "خمپاره دوتا از بچه هایم را جلوشما نمیکشید که کرد." دیگری میگفت: "شماره ۴۰ سال کار و بدبختی و بیچارگی و گرسنگی بچه و یک آلونک بود که در یک لحظه با خاک یکسان شد." مرد رنجور دیگری که خمیده بنظر میرسید میگفت: "از آوارگان آمده ام، خانه ام ویران شد تشنه از حاصل آن همه عذاب و زحمت همان خانه را داشتم که ما به میدمدارین سربیری بود ولی چه فایده! نابود شد. دستمالی چرخ کارخانه قطع شد

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

جنگ ارتجاعی زورگویی وفشار را بر سربازان شدت بخشیده است



در تاریخ ۵۹/۸/۲۹ چهارتن از سربازان پادگان ۰۶ (سلطنت آباد سابق) که بدون اجازه به مرخصی رفته بودند دستور فرمانده پادگان هریک به ۶۰ ضربه شلاق محکوم گشته که بعد از اجرای حکم به پشت هریک کوله های سنگین بسته و تازه پس از چند ساعت آنها را روانه زندان می نمایند.

توده های سربازان یکطرفه در جبهه ها بخاطر سرپیچی از دستورات اعدام و یا محاکمه می شوند و از طرف دیگر ریادگانها محکوم به قرون وسطائی ترین تنبیهات می گردند.

۲- اوایل آذرماه ۵۹ ششالی هفتکشتی محموله قطعات یدکی و وسایل نظامی مستقیماً از آمریکا در جنوب لنگرانداخته اند.

این کشتیها بدنیاال رسیدن یک کشتی محموله نظامی که قبلاً یعنی در آبانماه ۵۹ مستقیماً از آمریکا در بندر بوشهر لنگر انداخت به بنا در جنوب رسیده اند. وقتی در آبانماه ۵۹ یک کشتی محموله نظامی به بندر بوشهر رسید بمنظور تسریع در تخلیه این محموله های نظامی از یابگاههای مختلف نیروی هوایی متخصصین قسمتهای مختلف به بوشهر اعزام شدند که هریک محموله مربوط به قسمت خود را بفرست تحویل بگیرد.

پیام زنان کارگر به فرزندان کوچکشان از زبان لنین

"توبزودی بزرگ خواهی شد، بتواسلحه خواهند داد، بگیرو عملیات نظامی را بخوبی بیاموز، این علم برای پرولترها (طبقه کارگر-پیکار) ضروری است. اما نه برای آنکه نظیر جنگ کنونی و طبق نمایه که خاشاکین سوسیالیسم بتو میکنند، آنرا برضد برادران خود یعنی کارگران سایر کشورها بکاربری، بلکه برای آنکه برضد بورژوازی کشور خود مبارزه کنی و با ستشما و فقر و جنگ نه از طریق تمايلات حسنه، بل از طریق بیروزی بر بورژوازی و خلع سلاح آن، خاتمه دهی."

(لنین، برنامۀ جنگی انقلاب پرولتاریائی)



۳- هواپیماهای جمبوجت نظامی نیروی هوایی که مخصوص حمل محموله های نظامی هستند را رژیم جمهوری اسلامی به نام "هواپیماهای ملی ایران" که مخصوص حمل مسافرانست مجهز کرده و مدتی است که این هواپیماها از کره جنوبی لوازم و قطعات یدکی نظامی وارد میکنند قیمت این محموله های نظامی که بطور غیرمستقیم از آمریکا (از طریق کره جنوبی) خریداری میشود گاه با ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد (که با این گرانی و فلاکت توده ها، رژیم چگونه دسترنج زحمتکشان را به جیب امپریالیسم غارتگر میبرد!)

البته "هواپیماهای ملی ایران" نیز مقداری هواپیماهای جمبوجت (بوشینگ ۷۴۷) در اختیار دارد. ولی رژیم جمهوری اسلامی با تغییر آرم هواپیماهای نظامی خود برای پرده پوشی روابط خود با آمریکا، از این طریق مبارزت به خرید لوازم یدکی نظامی کرده است. رژیم چون کبک سردربرف کرده است و گمان میکند که توده ها از این فریبکارها و دغلکارهای رژیم تا ابد بی اطلاع خواهند شد.

۴- بدنیاال اوگیری تشا دبین لیبرالها و جمهوری اسلامی در این اواخر، بازتاب این درگیری در ارتش بسیار گسترده بوده و وفاداران بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۳ پنجم خبر...

خود را بررسی و مشخص کنند تا با برقراری روابط با آمریکا که از نظر اینان بزودی این روابط "عادی" (میشود) حداکثر استفاده بشود. (نکته قابل توجه این است که این نظر ویردفاع و فرمانده نیروی هوایی برقراری این روابط را خیلی نزدیک میدیدند این خبر نشان دهنده دشمنی و زات "فدا امپریالیستی" رژیم است!!)

روحیات مردم در اسلام آباد

توده های زحمتکش اسلام آباد (واقع در ۹۰ کیلومتری سریلانک) که با آغاز جنگ شهر را ترک کرده بودند اینک بیش از پیش از جنگ منزجرند. آنها به شهر بازگشته اند، اما آماده اند تا با شروع مجدد حمله به شهر آنجا را ترک کنند. آنها حاضر به جنگ نیستند چه خوب فهمیده اند که نباید گوشت مردم سوپ سرمایه داران شد.

روحیه مردم نسبت به جنگ ارتجاعی به گونه ایست که حتی افرادی که برای "اسلام" جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی سینه چاک می دادند هم اکنون توهشان نسبت به رژیم و رهبران آن تا حد زیادی ریخته است.

بقیه از صفحه ۱ مجروح مردن...

اما چون فرار از جبهه در مقررات زمان جنگ مجازات اعدام دارد، با مجروح کردن خود می کوشند، راهی برای فرار از جبهه پیدا کنند.

منتشر شد

ستاد مرکزی حزب آزادی طبقه کارگر

پیکار

بها ۵ ریال

فریاد

آوارگان ۵

پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۵۹

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست